

پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب اسلامی در ابتدای سال ۱۳۸۱ / ۱۳۸۱/۰۱/۰۱

امسال، سال شمسی ما، هم در فروردین و هم در آخر سال در اسفند، با عاشورای حسینی مقارن و مصادف است. بنابراین‌جا دارد که ما امسال را «سال عزت و افتخار حسینی» بدانیم. امیدواریم ملت عزیز ما با تمسک به معنویت حسین‌بن‌علی علیه‌السلام و با آشنایی بیشتر با آن بزرگوار، عزت و افتخار و سربلندی را برای خود کسب کند؛ همچنان که بحمدالله به برکت آن حضرت و به برکت اسلام و قرآن، از عزت و افتخار معنوی برخوردار بوده و هست.

پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب اسلامی در ابتدای سال ۱۳۸۱ / ۱۳۸۱/۰۱/۰۱

امیدوارم ان‌شاءالله سالی را که در پیش داریم، برای ملت ما سال اعتلای مادی و معنوی و پیشرفت در همه‌ی امور کشور و سال عزت و افتخار باشد و همچنان که حسین‌بن‌علی علیه‌السلام مظهر عزت بود و او بود که فرمود: «هیئات منا الذله»، این ملت هم در عرصه‌های مختلف نشان دهد که گرد ذلت بر دامانش نخواهد نشست و در عزتمندی و عزتمداری، پیرو آقا و سالار خود، حسین‌بن‌علی علیه‌السلام خواهد بود.

بیانات در یادگان دوکوهه / ۱۳۸۱/۰۱/۰۹

امسال به عنوان سال «عزت و افتخار حسینی» شناخته شد. این عنوان و نامی است که می‌تواند به رفتار ما در طول سال جهت بدهد. این عنوانی که برای سالها در نظر گرفته می‌شود و ملت ایران، هر سالی را به این نامها می‌نامد، شعارهای همیشگی ملت ایران است و مخصوص یک سال نیست. همان‌طور که در آغاز سال جدید به عرض ملت ایران رساندم، سال «رفتار علوی» که عنوان سال گذشته بود، به این معنا نیست که با پایان سال، وظیفه‌ی رفتار علوی از دوش ما برداشته شد؛ نه، مسوولان کشور برای همیشه وظیفه دارند رفتار علوی را سرلوحه‌ی همه‌ی کارها و برنامه‌های خودشان قرار دهند. زمانی نظام اسلامی دچار اختلال واقعی خواهد شد که فراموش کند نماد و سرمشق بزرگی مثل علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام دارد. حکومت علوی باید همیشه در مقابل چشم ما باشد و در آن جهت حرکت کنیم و آن را بخواهیم و برای آن تلاش نماییم. آرزوهای انسانهای ستمدیده‌ی تمام قرون در حکومتی برآورده خواهد شد که با رفتار علوی اداره شود، و لاغیر. بشر در طول قرون طولانی خود از چه دردهایی بیشتر رنج برده است؟ از بی‌عدالتی، تبعیض، زورگویی و تحکم قدرتهای غاصب. همچنین از بیرحمی و برادرکشی رنج برده است؛ بشر از جهالت‌هایی که اختیار زندگی مردم را در قبضه‌ی قدرتهای ظالمانه گرفتند، رنج برده است؛ بشر همواره از جهل، ستم و تبعیض ناروا نالیده است. عمده‌ی محرومیت‌های انسان در طول تاریخ، ناشی از سلطه‌ی ظالمان و ناهلان، خوی وحشیگری، بیرحمیها و جنگ‌افروزیهاست؛ بشر از حقوق اصلی و طبیعی خود محروم مانده است.

بیانات در یادگان دوکوهه / ۱۳۸۱/۰۱/۰۹

همه بدانند تهدید دشمنان این ملت و کشور - چه تهدید نظامی و چه تهدید سیاسی - برای این کشور چندان حائز اهمیت نیست و برای این ملت تهدید واقعی به حساب نمی‌آید. این ملت یک ملت شجاع است که طعم عزت و استقلال را چشیده است. این جوانان - که عمده‌ی نسل امروز ما را تشکیل می‌دهند - هرگز بیگانه‌ای را بر کشور خودشان مسلط ندیده‌اند؛ لیکن زمان ما این‌گونه نبود. نسل ما در دورانی چشم باز کرد که بر اثر ضعف حکومتها در داخل کشور، نیروهای اشغالگر خارجی همه‌کاره بودند. در مشهد ما نیروی بیگانه‌ای از یک دولت، در آذربایجان نیروی بیگانه‌ای از دولت دیگر؛ در خود تهران هم نیروهای بیگانه‌ی دیگری از دولت‌های مختلف حضور داشتند. بعد هم که به ظاهر نیروهای نظامیشان را خارج کردند، نفوذهای سیاسی‌شان را بجا گذاشتند. نسل گذشته‌ی شما فضای کشور را این چنین دیده بود؛ مسوولان کشور، سرسپرده و مطیع بیگانگان بودند؛ لیکن نسل امروز این‌طور نیست. نسل امروز، ملت، کشور، مسوولان، حکومت و نظام خود را همیشه آزاد، سربلند، مستقل و عزیز می‌بیند؛ همه‌ی نمادهای کشور را دارای نشانه‌های استقلال دیده و به خود می‌بالد؛ این نسلی است که از تهدید دشمن نمی‌هراسد. لذا این تهدیدها برای کشور خطر جدی نیست. خطر جدی برای کشور عبارت است از آن مسائلی که ما به دست خودمان به وجود آوریم. ایجاد اختلاف، ایجاد بی‌ایمانی، ایجاد ناامیدی نسبت به آینده، القای وجود اختلاف و دویت، القای احساس ضعف در مقابل دشمن - که بعضیها متأسفانه از روی نادانی یا غرض‌ورزی این کارها را می‌کنند - احساس ناتوانی در مسوولان کشور - که بعضی این احساس را عملاً و بعضی قولاً ترویج می‌کنند - برای کشور منشا خطر است. مسوولان باید توجه داشته باشند و مردم عزیز ما هم هوشیارانه متوجه باشند و القانات دشمن را بشناسند.

بیانات در یادگان دوکوهه / ۱۳۸۱/۰۱/۰۹

این سال، سال «عزت و افتخار حسینی» است. این عزت، چگونه عزتی است؟ این افتخار، افتخار به چیست؟ آن کسی که حرکت حسین‌بن‌علی علیه‌السلام را بشناسد، می‌داند که این عزت، چگونه عزتی است. از سه بعد و با سه دیدگاه، این نهضت عظیم حسینی را که در تاریخ این‌طور ماندگار شده است، می‌شود نگاه کرد. در هر سه بعد، آنچه که بیش از همه چشم را خیره می‌کند، احساس عزت و سربلندی و افتخار است.

یک بعد، مبارزه‌ی حق در مقابل باطل مقتدر است که امام حسین علیه‌السلام و حرکت انقلابی و اصلاحی او چنین کرد. یک بعد دیگر، تجسم معنویت و اخلاق در نهضت حسین‌بن‌علی است. در این نهضت عرصه‌ی مبارزه‌ی وجود دارد که غیر از جنبه‌ی اجتماعی و سیاسی و حرکت انقلابی و مبارزه‌ی علنی حق و باطل است و آن، نفس و باطن انسانهاست. آن‌جایی که ضعفها، طمعها، حقاقتها، شهوتها و هواهای نفسانی در وجود انسان، او را از برداشتن گامهای بلند باز می‌دارد، یک صحنه‌ی جنگ است؛ آن هم جنگی بسیار دشوارتر. آن‌جایی که مردان و زنان مومن و فداکار پشت سر حسین‌بن‌علی علیه‌السلام راه می‌افتند؛ دنیا و مافیها، لذتها و زیباییهای دنیا، در مقابل احساس وظیفه از چشم آنها می‌افتد؛ انسانهایی که معنویت مجسم و متبلور در باطنشان، بر جنود شیطانی - همان جنود عقل و جنود جهلی که در روایات ما هست - غلبه پیدا کرد و به عنوان یک عده انسان نمونه، والا و بزرگ، در تاریخ ماندگار شدند. بعد سوم که بیشتر در بین مردم رایج است، فجایع، مصیبتها، غصه‌ها، غمها و خون‌دهای عاشوراست؛ لیکن در همین صحنه‌ی سوم، باز هم عزت و افتخار هست. کسانی که اهل نظر و فکر و تاملند، باید هر سه بعد را دنبال کنند.

در آن بعد اول که امام حسین علیه‌السلام یک حرکت انقلابی به راه انداخت، مظهر عزت و افتخار بود. نقطه‌ی مقابل حسین‌بن‌علی چه کسی بود؟ آن حکومت ظالم فاسد بدکاره‌ی بود که «یعمل فی عبادالله بالاثم و العدوان». نمودار اصلی این بود که در جامعه‌ای که زیر قدرت او بود، با بندگان خدا و انسانها با ستم، عدوان، غرور، تکبر، خودخواهی و خودپرستی رفتار می‌کرد؛ این خصوصیت عمده‌ی آن حکومت بود. چیزی که برایشان مطرح نبود، معنویت و رعایت حقوق انسانها بود. حکومت اسلامی را به همان حکومت طاغوتی که قبل از اسلام و در دوره‌های مختلف در دنیا وجود داشته است، تبدیل کرده بودند. در صورتی که بارزترین خصیصه‌ی نظام اسلامی، حکومت است؛ برجسته‌ترین بخشهای آن جامعه‌ی ایده‌آلی که اسلام می‌خواهد ترتیب دهد، شکل و نوع حکومت و رفتار حاکم است.

به تعبیر بزرگان آن روز، امامت را به سلطنت تبدیل کرده بودند. امامت یعنی پیشوایی قافله‌ی دین و دنیا. در قافله‌ای که همه به یک سمت و هدف والا در حرکتند، یک نفر بقیه را راهنمایی می‌کند و اگر کسی گم شود، دست او را می‌گیرد و برمی‌گرداند؛ اگر کسی خسته شود، او را به ادامه‌ی راه تشویق می‌کند؛ اگر کسی پایش مجروح شود، پای او را می‌بندد و کمک معنوی و مادی به همه می‌رساند. این در اصطلاح اسلامی اسمش امام - امام هدایت - است و سلطنت نقطه‌ی

مقابل این است. سلطنت به معنای پادشاهی موروثی، فقط یک نوع از سلطنت است. لذا بعضی سلاطین در دنیا هستند که اسمشان سلطان نیست، اما باطنشان تسلط و زورگویی بر انسانهاست. هر کس و در هر دوره‌ای از تاریخ - اسم او هرچه می‌خواهد باشد - وقتی به ملت خود یا به ملت‌های دیگر زور بگوید، این سلطنت است. این‌که رئیس جمهور یک دولتی - که در همه‌ی زمانها، دولتهای مستکبر بوده‌اند و امروز مظهر آن، امریکا است - به خود حق بدهد که بدون هیچ استحقاق اخلاقی، علمی و حقوقی، منافع خود و کمپانیهای پشتیبان خود را بر منافع میلیونها انسان ترجیح دهد و برای ملت‌های دنیا تکلیف معین کند، این سلطنت است؛ حالا اسمش سلطان باشد یا نباشد!

در دوران امام حسین علیه‌السلام امامت اسلامی را به چنین چیزی تبدیل کرده بودند: «عمل فی عبادالله بالانتم والعدوان». امام حسین علیه‌السلام در مقابل چنین وضعیتی مبارزه می‌کرد. مبارزه‌ی او بیان کردن، روشن‌نگری، هدایت و مشخص کردن مرز بین حق و باطل - چه در زمان یزید و چه قبل از او - بود. منتها آنچه در زمان یزید پیش آمد و اضافه شد، این بود که آن پیشوای ظلم و گمراهی و ضلالت، توقع داشت که این امام هدایت پای حکومت او را امضا کند؛ «بیعت» یعنی این. می‌خواست امام حسین علیه‌السلام را مجبور کند به جای این‌که مردم را ارشاد و هدایت فرماید و گمراهی آن حکومت ظالم را برای آنان تشریح نماید، بیاید حکومت آن ظالم را امضا و تایید هم بکند! قیام امام حسین علیه‌السلام از این‌جا شروع شد. اگر چنین توقع بی‌جا و ابلهانه‌ای از سوی حکومت یزید نمی‌شد، ممکن بود امام حسین همچون زمان معاویه و ائمه‌ی بزرگوار بعد از خود، پرچم هدایت را برمی‌افراشت؛ مردم را ارشاد و هدایت می‌کرد و حقایق را می‌گفت. منتها او بر اثر جهالت و تکبر و دوری از همه‌ی فضایل و معنویات انسانی یک قدم بالاتر گذاشت و توقع کرد که امام حسین علیه‌السلام پای این سیه‌نامه‌ی تبدیل امامت اسلامی به سلطنت طاغوتی را امضا کند؛ یعنی بیعت کند. امام حسین فرمود «مثلی لا یبایع مثله»؛ حسین چنین امضایی نمی‌کند. امام حسین علیه‌السلام باید تا ابد به عنوان پرچم حق باقی بماند؛ پرچم حق نمی‌تواند در صف باطل قرار گیرد و رنگ باطل بپذیرد. این بود که امام حسین علیه‌السلام فرمود: «هیئات منا الذله (۴)». حرکت امام حسین، حرکت عزت بود؛ یعنی عزت حق، عزت دین، عزت امامت و عزت آن راهی که پیغمبر ارائه کرده بود. امام حسین علیه‌السلام مظهر عزت بود و چون ایستاد، پس مایه‌ی فخر و مباهات هم بود. این عزت و افتخار حسینی است. یک وقت کسی حرفی را می‌زند، حرف را زده و مقصود را گفته است، اما پای آن حرف نمی‌ایستد و عقب‌نشینی می‌کند؛ این دیگر نمی‌تواند افتخار کند. افتخار متعلق به آن انسان، ملت و جماعتی است که پای حرفشان بایستد و نگذارند پرچمی را که آنها بلند کرده‌اند، توفانها از بین ببرد و بخواباند. امام حسین علیه‌السلام این پرچم را محکم نگه داشت و تا پای شهادت عزیزان و اسارت حرم شریفش ایستاد. عزت و افتخار در بعد یک حرکت انقلابی این است.

در بعد تبلور معنویت هم همین‌طور است. بارها این را گفته‌ام که خلیفه‌ها به امام حسین علیه‌السلام مراجعه و او را بر این ایستادگی ملامت می‌کردند. آنها مردمان بد و یا کوچکی هم نبودند؛ بعضی جزو بزرگان اسلام بودند؛ اما بد می‌فهمیدند و ضعفهای بشری بر آنها غالب شده بود. لذا می‌خواستند حسین بن علی را هم مغلوب همان ضعفها کنند؛ اما امام حسین علیه‌السلام صبر کرد و مغلوب نشد و یکایک کسانی که با امام حسین بودند، در این مبارزه‌ی معنوی و درونی پیروز شدند. آن مادری که جوان خود را با افتخار و خشنودی به طرف این میدان فرستاد؛ آن جوانی که از لذات ظاهری زندگی گذشت و خود را تسلیم میدان جهاد و مبارزه کرد؛ پیرمردانی مثل «حبيب بن مظاهر» و «مسلم بن عوسجه» که از راحتی دوران پیرمردی و بستر گرم و نرم خانه‌ی خودشان گذشتند و سختی را تحمل کردند؛ آن سردار شجاعی که در میان دشمنان جایگاهی داشت - «حربن یزید ریاحی» - و از آن جایگاه صرف‌نظر کرد و به حسین بن علی پیوست، همه در این مبارزه‌ی باطنی و معنوی پیروز شدند.

آن روز کسانی که در مبارزه‌ی معنوی بین فضایل و رذایل اخلاقی پیروز شدند و در صف‌آرایی میان جنود عقل و جنود جهل توانستند جنود عقل را بر جنود جهل غلبه دهند، عده‌ی اندکی بیش نبودند؛ اما پایداری و اصرار آنها بر استقامت در آن میدان شرف، موجب شد که در طول تاریخ، هزاران هزار انسان آن درس را فراگرفتند و همان راه را رفتند. اگر آنها در وجود خودشان فضیلت را بر رذیلت پیروز نمی‌کردند، درخت فضیلت در تاریخ خشک می‌شد؛ اما آن درخت را آبیاری کردند و شما در زمان خودتان خلیفه را دیدید که در درون خود فضیلت را بر رذیلت پیروز و هواهای نفسانی را مقهور احساسات و بینش و تفکر صحیح دینی و عقلانی کردند. همین پادگان دوکوهه و پادگانهای دیگر و میدانهای جنگ و سرتاسر کشور، شاهد دهها و صدها هزار نفر از آنها بوده است. امروز هم دیگران از شما یاد گرفته‌اند؛ امروز در سرتاسر دنیای اسلام آن کسانی که حاضرند در درون خود و در صف‌آرایی حق و باطل، حق را بر باطل پیروز کنند و غلبه دهند، کم نیستند. پایداری شما - چه در دوران دفاع مقدس و چه در بقیه‌ی آزمایشهای بزرگ این کشور - این فضیلتها را در زمانه‌ی ما ثبت کرد. زمانه‌ی ما زمانه‌ی ارتباطات نزدیک است؛ اما این ارتباطات نزدیک همیشه به سود شیطان و شیطنتها نیست؛ به سود معنویتها و اصالتها هم هست. مردم دنیا خیلی چیزها را از شما یاد گرفته‌اند. همین مادری که در فلسطین جوان خودش را می‌بوسد و به طرف میدان جنگ می‌فرستد، یک نمونه است. فلسطین سالهای متمادی، زن و مرد و پیر و جوان داشت؛ اما بر اثر ضعفها و به دلیل آن‌که در میدان صف‌آرایی معنوی، جنود عقل نمی‌توانست بر جنود جهل پیروز شود، فلسطین دچار ذلت شد و این وضعیت برایش پیش آمد و دشمنان بر آن مسلط شدند. اما امروز وضعیت فلسطین، به گونه‌ی دیگری است؛ امروز فلسطین به‌پا خاسته است؛ امروز ملت فلسطین - زن و مرد - در صف‌آرایی معنوی در درون خود توانسته است جانب معنویت را غلبه دهد و پیروز کند؛ و این ملت پیروز خواهد شد.

در آن صحنه‌ی سوم هم که صحنه‌ی فاجعه‌آفرینهای عاشورا است، آن‌جا هم باز نشانه‌های عزت مشاهده می‌شود؛ آن‌جا هم سربلندی و افتخار است. اگر چه مصیبت و شهادت است؛ اگر چه شهادت هر یک از جوانان بنی‌هاشم، کودکان، طفلان کوچک و اصحاب کهنسال در اطراف حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین علیه‌السلام یک مصیبت و داغ بزرگ است؛ اما هرکدام حامل یک جوهره‌ی عزت و افتخار هم هست.

بیانات در دانشگاه افسری امام علی (ع) / ۱۳۸۱/۰۸/۰۷

برای یک ملت، درس عزت و افتخار از حسین بن علی علیه‌السلام درس گرانمایی است. میدانهای گوناگونی هم برای بروز دادن عزت و افتخار ملی وجود دارد؛ اما جوانمردانی که در نیروهای مسلح همچون حصارهای مستحکمی از کشور و ملتشان حراست می‌کنند، چهره‌های زیباتری از عزت و افتخارات ملی را به نمایش می‌گذارند. شما جوانان عزیز قدر این موقعیت والا را بدانید. همه‌ی کسانی هم که جسم و جان و نیرو و استعداد خود را برای سربلندی کشور و اسلام و نظام اسلامی مصرف می‌کنند، قدردان این موقعیت والا را باشند.

مقالات مرتبط با کلیدواژه «عزت و افتخار حسینی» :

درآمدی بر مفهوم شناسی دینی عزت و افتخار / نویسنده : محسن الویری / ۱۳۸۱/۰۷/۰۱